

بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری

میثم موسایی*، بهزاد رضوی الهاشم**

طرح مسئله: این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی مشارکت شهروندان در امور شهری کدامند؟ مطالعه حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، قانونی - حقوقی و فضایی - کالبدی مشارکت شهروندان از یک سوا امکان پاسخ‌گویی به سؤال اساسی تحقیق را فراهم می‌کند و از سوی دیگر به برنامه ریزان شهری امکان می‌دهد تا در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به تدوین چشم اندازها، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری بپردازند. روش: این مطالعه به روش کیفی انجام شده است. اطلاعات در قالب سئوال‌ات باز و از طریق مصاحبه عمیق با تکنیک (SWOT)، نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها، و تهدیدهای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، قانونی - حقوقی و فضایی - کالبدی مربوط به مشارکت شهروندان در امور شهری به دست آمده است.

یافته‌ها: جامعه آماری تحقیق شامل ۶۰ نفر از اساتید، صاحب نظران حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و مدیران اجرایی است که از بین دانشگاه‌های مختلف شهر تهران و معاونت اجتماعی - فرهنگی شهرداری به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب و بررسی شده است. **نتایج:** نتایج نشان داد که مشارکت شهروندان به طور اعم در ایران و به طور اخص در تهران دارای موانع ساختاری، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - مدیریتی، حقوقی و فضایی است. علی‌رغم موانع موجود، نقاط قوت و فرصت‌های زیادی نیز جهت ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری وجود دارد. بعلاوه ضعف‌ها و تهدیدهای مشارکت از سوی شهروندان و مدیریت شهری، مشارکت را تحت تأثیر قرار داده است. هنوز ضرورت مشارکت در امور شهری از سوی مدیران شهری و شهروندان احساس نمی‌شود. مشارکت شهروندان عمدتاً صوری، سمبلیک و نمادین است.

کلید واژه‌ها: امور شهری، شهروند، فرصت و تهدید، قوت و ضعف، مشارکت

SWOT، مدیریت شهری،

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۲/۱۷

۱- این مقاله از طرح تحقیقاتی طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری که توسط مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (وابسته به شهرداری تهران) تأمین مالی شده و در مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران انجام شده استخراج شده است.

* دکتر اقتصاد دانشگاه تهران <mousaaei@ut.ac.ir>

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

طرح و بیان مسئله

مهم‌ترین و عظیم‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای منابع انسانی آن جامعه است که برای بهره‌برداری از آن روش‌های خاصی وجود دارد. مشارکت جویی یکی از نیازمندی‌های روحی روانی و منشأ احترام به انسان است. مشارکت در زندگی جمعی حقی طبیعی قلمداد شده و در دهه‌های اخیر در مدیریت شهری مورد تأکید قرار گرفته است. عواملی که در گسترش ایده مشارکت در مدیریت شهری نقش داشته‌اند عبارتند از:

- ۱- پیدایش نظام‌های مردم سالار و اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور؛
- ۲- درس گرفتن از روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته؛
- ۳- عدم تطابق طرح‌های شهری با نیازها و خواست‌های مردم؛
- ۴- توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تضمین منافع شهروندان؛
- ۶- پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و اخلاق اجتماعی برنامه‌ریزی (UNVHS, 1996).

در جوامع پیشرفته، مشارکت مردم در برنامه‌های شهری نهادینه شده و حقوق و تکالیف مدیران شهری و شهروندان مشخص شده است (بشیریه، ۱۳۷۴). مشارکت از مرحله طراحی برنامه‌ها و الگوهای علمی - اجرایی تا ارائه، تأیید و تصویب، اجرا و نظارت ادامه دارد. الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی، اعتماد شهروندان به نتایج حاصله را افزایش می‌دهد، میزان دقت، حساسیت و ابعاد آن را روشن می‌سازد و مشارکت واقعی و هدفمند آنان را تضمین می‌کند. در این فرایند، مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود (مزینی، ۱۳۷۸).

اما در ایران، آن‌جا که از مشارکت شهروندان سخن رانده می‌شود، مشارکت توده‌ای، فاقد نظم و انسجام، فقدان طبقه‌بندی نیازها و خواست‌ها در این زمینه نمود دارد و امری سمبلیک، شعاری و نمادین است (پیروز، ۱۳۷۱). این نوع مشارکت نه تنها راه‌گشا نبوده بلکه مسائل و مشکلات متعددی به دنبال داشته است. زمانی که از مشارکت سخن گفته

می‌شود، نحوه و چگونگی مشارکت امری مغفول باقی می‌ماند و مشارکت کنندگان نمی‌دانند مکانیزم مشارکت چیست؟ نحوه تعامل با مدیران شهری چگونه باید باشد؟ در چه اموری و چگونه می‌توان مشارکت کرد؟. عدم پاسخ‌گویی به این گونه پرسش‌ها و موارد مطروحه دیگر ضمن ایجاد سردرگمی در مردم، مدیران شهری را قانع می‌سازد که مشارکت مردم امری وقت گیر، پرهزینه و غیر ضرور است.

باید اذعان داشت که مشارکت دارای ساز و کارها، ضرورت‌ها و پیش زمینه‌هاست که در صورت محقق نشدن آن امکان مشارکت واقعی و هدفمند در جهت بهبود امور پدید نمی‌آید (علوی تبار، ۱۳۷۹). عدم ثبات مدیریت در اتخاذ الگوهای مشارکت هدفمند، مانعی در این زمینه است. هزینه‌های مشارکت، شهروندان را از دست زدن به آن ناامید می‌سازد و درگیری به امور روزمره، رغبتی برای آنان باقی نمی‌گذارد. از طرف دیگر فقدان سرمایه اجتماعی و ضعف تعامل اجتماعی و همدلی، مشارکت بدون چشم‌داشت اجتماعی - سیاسی را بی‌معنا می‌سازد. در این میان آنچه سر و سامان پیدا نمی‌کند سیستم مدیریت شهری و تبعات آن بر شهروندان است.

بنابراین آسیب‌های ناشی از عدم مشارکت به ویژه در کلان‌شهر تهران با وجود اقشار اجتماعی مختلف از قبیل کارمندان، دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان و جوانان و سالمندان و ... نمود بیش‌تری دارد. برای کاستن از آسیب‌ها و ایجاد محیطی با آسایش خاطر شهروندان، پرداختن به مشارکت در برنامه‌های شهری بسیار مهم است. مشارکت آگاهانه مردم، کیفیت اجرای برنامه‌ها و بهره‌وری آن را افزایش می‌دهد و از تحمیل هزینه‌های هنگفت بر سازمان‌ها من جمله شهرداری جلوگیری می‌نماید.

با توجه به احساس ضرورت مدیریت شهری در سطوح کلان نسبت به مشارکت مردم در طراحی، اجرا و نظارت برنامه‌های شهری، ابزارهای مختلفی برای تحقق مشارکت شهروندان در «مدیریت استراتژیک» از طریق روش‌های (SWOT)، وجود دارند که مورد استفاده برنامه‌ریزان قرار می‌گیرند: بر اساس این روش ابتدا باید نقاط قوت، ضعف،

فرصت‌ها و تهدیدات مشارکت شهروندان شناسایی شوند تا پس از شناخت واقع بینانه از وضع موجود نسبت به طراحی الگوهای مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع موانع و ایجاد زمینه‌های جلب مشارکت شهروندان اقدام کرد. در این مقاله به دنبال مطالعه شناخت زمینه‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت مشارکت بوده‌ایم. بنابراین سؤال اساسی تحقیق این است که: نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندان در امور شهری کدامند؟ پیشنهادها و راهکارهای مشارکت شهروندان در امور شهری تهران چیست؟ با روشن شدن پاسخ سئوالات مذکور می‌توان به صورت واقع بینانه نسبت به جلب مشارکت شهروندان در امور شهری اقدام کرد.

مبانی نظری و چارچوب تحقیق

در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد بر انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید می‌شود و در سطح کلان زمینه‌ها و شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرند (ریترز، ۱۳۷۳). کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی را در بر می‌گیرد و بخش رفتاری، انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹). هومنز رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی کرده است. رفتار مشارکتی زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد (توسلی، ۱۳۶۹). ماکس وبر بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن بر مشارکت متمرکز است (روشه، ۱۳۷۴).

نظریه‌های نابسامانی، از خودبیگانگی و بی‌قدرتی خصایصی چون احساس بی‌قدرتی و نابسامانی فردی را متأثر از شرایط اجتماعی می‌دانند. هرچه این احساس در میان افراد وجود داشته باشد، احتمال ورود آنان در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی کاهش می‌یابد. بیگانگی سیاسی و اجتماعی عوارضی چون بی‌تفاوتی، انفعال و بی‌طرفی را به دنبال دارد

که خود موجب دوری از اجتماع و جامعه شده و رفتارهای مشارکتی امکان بروز نمی‌یابند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰). کنش دربرگیرنده حالات احساسی، فکری و رفتاری است و براساس الگوهای جمعی ساخت‌یابی شده، جهت‌گیری می‌شود (Hamilton, 1983). مشارکت در یک سنت فکری وسیله و ابزاری برای نیل به اهداف دیگر نظیر رفاه در نظر گرفته شده و در سنت فکری دیگر به مثابه هدف اصلی به منظور رشد توانایی‌ها و خلاقیت‌های شهروندان فعال مورد توجه قرار گرفته است (کوهن، ۱۳۸۷).

بنا به عقیده هانتینگتون، جوامعی که در آن‌ها زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. به این ترتیب بایستی نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگان و وضع انجمن‌ها، نهادها و گروه‌های واسط را از پیش زمینه‌های مشارکت اجتماعی برشمرد (هانتینگتون، ۱۳۷۵). هارماس در نظریه خود شکل‌گیری حوزه عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای افکار عمومی و مشارکت دانسته است (Habermas, 1989). زمانی که کنش‌گران برای بحث و گفتگو درباره مسائل مورد علاقه خود گرد هم می‌آیند، احساس تعلق، وابستگی و وفاق جمعی به وجود می‌آید که مقدمه‌ای برای رفتارهای جمعی است و زمینه را برای توسعه اجتماعی از طریق مشارکت فراهم می‌سازد.

در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری چون دیدگاه قدرت و مدیریت مداری بر شناخت مسائل شهری و برنامه‌ریزی شهری تأکید شده است. نقش مدیریت در توزیع منابع، سبب انطباق و سازش افراد با محیط می‌شود. هرچه اندازه شهر، تراکم و ناهمگونی آن بیش‌تر باشد، بی‌حرکی، بی‌سازمانی و بی‌هنجاری گسترش می‌یابد (حسینی، ۱۳۷۸). که پیامد آن عدم مشارکت در امور شهری است. عدم مشارکت تأثیرات منفی مخربی بر فعالیت‌های زیست محیطی، ایمنی، خدماتی، عمرانی، رفاهی و نظارتی شهر می‌گذارد. در این میان، نقش مدیران شهری در آموزش و اطلاع‌رسانی به شهروندان، حفظ منافع مادی و اجتماعی، ایجاد امکان مشارکت و بسترسازی برای رفتار مشارکتی نظیر تشکیل انجمن‌ها و... حائز

اهمیت است. در نظریه نیازسنجی بر نیازهای خاص مردم در شهرها اشاره شده است. دانیل لرنر به ارتباط پدیده‌های شهرنشینی، سواد، رسانه‌ها، مشارکت و نوسازی پرداخته است. از نظر او، سه عامل اول در ارتباط متقابل با یکدیگرند و مشارکت در آن‌ها به معنای مشارکت در سیستم کلی جامعه است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰). به علاوه ابزارها، مدل‌ها، تکنیک‌ها و الگوهای مشارکت آشکار می‌سازد که مشارکت دارای اشکال گوناگون و سطوح متفاوت است که با طراحی صحیح می‌تواند بازتاب حضور واقعی مردم در عرصه‌های مختلف باشد و یا به عنوان ابزاری در دست قدرتمندان بوده و صرفاً جنبه صوری پیدا کند یا عوام‌فریبی تلقی شود. مشارکت دربردارنده تمام فعالیت‌هایی است که بر تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع مؤثر است و بایستی به گونه‌ای طراحی و سامان‌دهی شود که انتظارات جامعه را فراهم سازد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲).

مشارکت اجتماعی یک حرکت نظام‌دار است که از افراد، گروه‌ها و جامعه سرمی‌زند و هدف خاصی را دنبال می‌کند. مشارکت در تشکل‌ها و نهادهای مدنی و فعالیت‌های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آنهاست. تبلور عینی این تفکرات و مدل‌ها را می‌توان در سیستم‌های مدیریت شهری بسیاری از کشورهای جهان یافت. این نظام‌ها می‌توانند به منظور طراحی الگوها، برنامه‌ها و سازوکارهای مشارکت در مدیریت شهری مورد مطالعه قرار گیرند تا الگوی مشارکت متناسب با شرایط خاص جامعه ایران تدوین گردد (Turner, 1990). مطالعات صورت گرفته در این زمینه نارسایی روش‌های کمی را برای شناخت مسائل و مشکلات موجود به صورت عینی و ملموس نشان می‌دهد (موسایی و همکاران، ۱۳۸۷) لذا در این مطالعه ضمن استفاده از یافته‌های مربوط به مطالعات صورت گرفته روش کیفی با تکنیک SWOT به منظور مطالعه عمیق‌تر مورد استفاده قرار گرفته که جزئیات آن در بخش روش تحقیق ارائه شده است.

بررسی محیط‌های خارجی و داخلی و اثرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قانونی و فضایی بر مشارکت شهروندان، می‌تواند ضمن شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و

تهدیدات، استراتژی مناسبی را جهت بهره‌گیری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مشارکت شهروندان در امور شهری تدوین و ارائه نماید.

روش تحقیق

در انجام این تحقیق از روش تحقیق کیفی با تکنیک (SWOT) استفاده شده است. اتخاذ این روش به منظور بررسی و مطالعه عمیق این تحقیق صورت گرفته است. شرکت کنندگان در این تحقیق، تعداد ۳۰ نفر از صاحب نظران دانشگاهی و ۳۰ نفر نیز از برنامه ریزان اجرایی امور شهری هستند. دلایل انتخاب آنان به این ترتیب بود که علاوه بر مرتبط بودن با ماهیت موضوع مورد مطالعه تحقیق، تجربیات علمی و اجرایی در موضوع مورد مطالعه را داشتند. به علاوه با توجه به نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس، این شرکت کنندگان از بین اساتید دانشگاهی و صاحب نظران مرتبط با مسائل شهری و برنامه ریزان اجرایی شهرداری (کارفرمای تحقیق) انتخاب شدند. نحوه اطلاع آن‌ها از اهداف مطالعه به این صورت بود که اطلاع رسانی به صاحب نظران علمی از سوی گروه تحقیق با استفاده از مصاحبه گران مجرب و آموزش دیده و اطلاع رسانی به برنامه ریزان از سوی سازمان شهرداری یعنی نهاد اجرا کننده طرح صورت گرفت. در انجام این مصاحبه‌ها بحث فردی با صاحب نظران و بحث گروهی با برنامه ریزان اجرایی امور شهری انجام شد. تنظیم نهایی فهرست ارائه شده نیز با استفاده از تکنیک دلفی و به صورت ترکیب پاسخ‌های مشابه و حذف پاسخ‌های حاشیه‌ای انجام شده است. به طور کلی باید گفت که رفتار مشارکتی امری پیچیده، مبتنی بر زمینه‌ها و ملاحظات گوناگون نگرشی و رفتاری است. محققین، پژوهش‌گران، برنامه‌ریزان، صاحب نظران و اساتید فن در حوزه مطالعات مشارکتی شهروندی، هرکدام ملاحظات، رویکردها و نگرش‌های ذهنی و رفتاری متفاوتی در حوزه تخصصی و اجرایی خود دارند. شناخت عمیق این نگرش‌ها، رفتارها و دیدگاه‌های آنان ایجاب می‌کند که روش مصاحبه مد نظر قرار گیرد. تا با اعتمادسازی به کاوش عمیق زوایای مسئله پرداخته شده و با بررسی نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندان گام مؤثری در جهت ایجاد مشارکت در امور شهری برداشته شود.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق شامل ۶۰ نفر (۳۰ نفر از پژوهش‌گران، صاحب نظران دانشگاهی) و (۳۰ نفر از برنامه ریزان اجرایی شهرداری) در حوزه‌های مشارکت، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری است که از بین دانشگاه‌های مختلف شهر تهران و معاونت اجتماعی - فرهنگی شهرداری تهران شناسایی و انتخاب شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل راهبردی (SWOT)، محیط‌های داخلی و خارجی سازمان، کنترل و ارزشیابی عملکردها، کارآیی و اثربخشی فرایندها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع مدیریت استراتژیک نحوه تعامل محیط داخلی و خارجی سازمان را از طریق تدوین استراتژی مناسب بررسی می‌کند (میرمیران، ۱۳۸۴: ۱۸۳). (SWOT) محیط خارجی سازمان را جهت کشف فرصت‌ها و تهدیدها بررسی و محیط داخلی را در جهت درک نقاط قوت و ضعف مورد توجه قرار می‌دهد. تحلیل راهبردی اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی را شامل می‌شود که نتیجه آن به حداکثر رساندن فرصت‌ها و قوت‌ها و به حداقل رساندن ضعف‌ها و تهدیدها است. این روش از مهم‌ترین ابزارها جهت انطباق نقاط قوت و ضعف سازمان با فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آن است. این مدل تحلیل سیستماتیکی جهت شناسایی عوامل در انتخاب استراتژی مناسب ارائه می‌کند. فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی با قوت‌ها و ضعف‌های داخلی مورد مقایسه قرار گرفته و الگوی سازگاری موقعیت داخلی و خارجی شناسایی می‌شود که شامل اتخاذ یکی از الگوهای زیر است: ۱- نقاط قوت داخلی (s)، ۲- نقاط ضعف داخلی (w)، ۳- فرصت خارجی (o)، ۴- تهدید خارجی (t).

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق از مصاحبه عمیق با صاحب نظران و برنامه ریزان امور شهری به دست آمده و تجزیه و تحلیل شده است. نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای

خارجی در حوزه اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، قانونی - حقوقی و فضایی - کالبدی ارائه شده‌اند. این جداول به شرح زیر دسته‌بندی گردیده است:

جدول ۱- نقاط قوت و ضعف (اجتماعی - فرهنگی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	نقاط ضعف داخلی (w)	رتبه	مجموع وزن	نقاط قوت داخلی (s)
۱	۳۳۲	W1- مشخص نبودن جایگاه نهادها و تشکل‌ها در برنامه‌ها	۱	۲۳۲	S1- وجود سرمایه اجتماعی کهن و قدیمی میان مردم براساس سنت
۲	۳۲۱	W2- ضعف همبستگی اجتماعی در محلات	۲	۲۱۱	S2- تقویت شورایی‌های محلات برای طرح خواسته‌ها و مشکلات
۳	۳۱۱	W3- نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخ‌گویی به آن‌ها	۳	۱۸۴	S3- تقویت حضور زنان و جوانان در جامعه و کسب پرستیژ اجتماعی
۴	۲۶۵	W4- فقدان سازمان‌دهی مطالبات شهروندی	۴	۱۶۷	S4- ایجاد انگیزه در بزرگسالان برای مشارکت‌های سنتی، عرفی،
۵	۲۴۳	W5- وجود ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی و وجدان	۵	۱۴۵	S5- تقویت زمینه‌های ملی‌گرایی و احساس تعلق به فرهنگ ایرانی
۶	۲۲۲	W6- ایجاد تعارضات بین تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی و	۶	۱۳۴	S6 - احساس تعلق به خانواده و جلب مشارکت در جوه سنتی مشارکت

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود از جنبه اجتماعی فرهنگی، وجود سرمایه اجتماعی بر اساس سنت با وزن ۲۳۲، رتبه ۱، تقویت شورایی‌های محلات برای طرح خواسته‌ها و مشکلات با وزن ۲۱۱، رتبه ۲ و تقویت حضور زنان و جوانان با وزن ۱۸۴ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین نقاط قوت داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل مشخص نبودن جایگاه نهادها و تشکل‌ها در برنامه با وزن ۳۳۲، رتبه ۱، ضعف همبستگی اجتماعی در محلات با وزن ۳۲۱ رتبه ۲ و نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخ‌گویی به آن‌ها با وزن ۳۱۱ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۲- نقاط قوت و ضعف (اقتصادی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	نقاط ضعف داخلی (w)	رتبه	مجموع وزن	نقاط قوت داخلی (s)
۱	۳۵۶	اقتصاد رانتی و قرارگرفتن سرمایه دست شرکت دولتی	۱	۴۲۳	S1- رشد سطح اشتغال و افزایش نسبی درآمدهای مردم به گذشته
۲	۳۴۵	- سطح پائین درآمد و عدم قدرت اقتصادی مردم	۲	۴۲۱	S2- امکان جلب حمایت اقتصادی اقشار ثروتمند از طرح‌ها و برنامه
۳	۳۲۲	- عدم تمایل به مشارکت شهروندان در اثر درآمد نفتی	۳	۳۷۵	S3- افزایش حمایت شهرداری از تشکل‌های غیردولتی و محلی شهر
۴	۲۹۸	- عدم وجود یک سیستم مالیاتی عادلانه توزیع درآمدها	۴	۳۵۷	S4- اعلام سیاست‌های بندج اصل ۴۴ به منظور احیا حوزه اقتصاد
۵	۲۶۵	- ناکارآمدی نظام مالیاتی در کمک به توسعه اقتصادی	۵	۳۴۵	S5- تأمین هزینه‌های عمومی و خدمات شهری به صورت مشارکتی
۶	۲۵۴	- طبقاتی بودن جامعه و رشد طبقات نوکیسه	۶	۳۲۴	S6- حمایت اقتصادی برخی تشکل‌های مشارکتی در پرداخت هزینه
۷	۲۳۴	- فقدان سازوکارهای مطمئن و قابل اعتماد هزینه‌ها	۷	۲۸۶	S7- مکانیزه شدن خدمات شهری و امکان طبقه‌بندی مشارکت

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود از جنبه اقتصادی، رشد سطح اشتغال و افزایش نسبی درآمدهای مردم نسبت به گذشته با وزن ۴۲۳، رتبه ۱، امکان جلب حمایت اقتصادی اقشار ثروتمند از طرح‌ها و برنامه‌ها با وزن ۴۲۱، رتبه ۲ و افزایش حمایت شهرداری از تشکل‌های غیردولتی و محلی با وزن ۳۷۵ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین نقاط قوت داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل اقتصاد رانتی و قرارگرفتن سرمایه دست شرکت‌های دولتی با وزن ۳۵۶، رتبه ۱، سطح پائین درآمد و عدم قدرت اقتصادی مردم با وزن ۳۴۵ رتبه ۲ و عدم تمایل دولت به مشارکت شهروندان در اثر درآمدهای نفتی با وزن ۳۲۲ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۳- نقاط قوت و ضعف (سیاسی - مدیریتی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	نقاط ضعف داخلی (w)	رتبه	مجموع وزن	نقاط قوت داخلی (s)
۱	۳۲۲	ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت و تغییرات مداوم برنامه‌ها	۱	۳۲۲	S1- ایجاد فرصت ارتباط مدیریت شهری با مردم و تعیین سازوکار آن؛
۲	۳۰۸	W2- احتمال تبدیل تشکل‌های محلی به گروه سیاسی	۲	۳۱۶	S2- التزام مدیران شهری در تن دادن به قواعد و معیارهای مشارکت مردم؛
۳	۲۸۷	W3- وجود ضعف در تخصص محوری و انتصاب‌های سیاسی	۳	۳۱۲	S3- زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عملکردی تشکل‌های غیردولتی؛
۴	۲۶۴	W4- تقویت نگاه از بالای مدیران شهری به مردم	۴	۲۷۶	S4- تعیین حیطه نظارت و اجرا بین شهرداری، شورای شهر و مردم.
۵	۲۵۲	W5- تقلیل مشارکت به حضور سمبلیک و نمادین	۵	۲۶۷	S5- تقویت نقش شوراهای شهر در برنامه‌ریزی مدیریت شهری و تصویب بودجه
۶	۲۳۳	W6- محدودیت ارتباطات جهت استفاده از تجارب سایر جوامع	۶	۲۴۳	S6- تغییر رویکرد شهرداری از نهاد خدماتی صرف به نهادی اجتماعی فرهنگی

همان طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود از جنبه سیاسی - مدیریتی، ایجاد فرصت ارتباط مدیریت شهری با مردم و تعیین سازوکار آن با وزن ۳۲۲، رتبه ۱، التزام مدیران شهری در تن دادن به قواعد و معیارهای مشارکت مردم با وزن ۳۱۶، رتبه ۲ و زمینه‌سازی برای بسط ساختاری و عمل‌کردی تشکل‌های غیردولتی با وزن ۳۱۲ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین نقاط داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت و تغییرات مداوم برنامه‌ها با وزن ۳۲۲، رتبه ۱، احتمال تبدیل تشکل‌های محلی به گروه سیاسی با وزن ۳۰۸ رتبه ۲ و وجود ضعف در تخصص محوری و انتصاب‌های سیاسی با وزن ۲۸۷ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۴- نقاط قوت و ضعف (قانونی - حقوقی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	نقاط ضعف داخلی (w)	رتبه	مجموع وزن	نقاط قوت داخلی (s)
۱	۲۱۱	W1- فقدان جایگاه حقوق شهروندی مدون و مصوب	۱	۱۸۷	S1- تأکید قانون اساسی مبنی حق مشارکت مردم کلیه امور
۲	۲۰۱	W2- نبود ضمانت حقوقی و اجرایی برنامه‌های مدیریت	۲	۱۶۵	S2- اعلام سیاست‌هایی اجرایی اصل ۴۴ و تقویت نقش مردم
۳	۱۷۶	W3- فقدان سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات	۳	۱۴۳	S3- ایجاد و تقویت سامانه ۱۳۷ و ۱۸۸۸ جهت پیگیری نظرات
۴	۱۵۴	W4 - ایجاد مناطق حاشیه‌ای فاقد اسناد مالکیت قانونی	۴	۱۳۴	S4- تقویت نقش شورایی‌های محلات در مدیریت محله
۵	۱۲۴	W5- تضعیف نقش عرفی - قانونی ساکنین محله	۵	۱۲۳	S5- تمرکز زدایی از شهرداری و تقویت تعامل مدیریت محلی
۶	۱۲۲	W6- سیاست‌گذاری و قانون گذاری متمرکز و دولت محور مدیریت شهری	۶	۱۲۱	S6- الزام مدیران شهری به رعایت مصوبات شورای شهر و نظرخواهی از مردم

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود از جنبه قانونی - حقوقی، تأکید قانون اساسی مبنی حق مشارکت مردم در کلیه امور با وزن ۱۸۷، رتبه ۱، اعلام سیاست‌هایی اجرایی اصل ۴۴ و تقویت نقش مردم با وزن ۱۶۵، رتبه ۲ و ایجاد و تقویت سامانه ۱۳۷ و ۱۸۸۸ جهت پیگیری نظرات با وزن ۱۴۳ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین نقاط قوت داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل فقدان جایگاه حقوق شهروندی مدون و مصوب با وزن ۲۱۱، رتبه ۱، نبود ضمانت حقوقی و اجرایی برنامه‌های مدیریت شهری با وزن ۲۰۱ رتبه ۲ و فقدان سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان با وزن ۱۷۶ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۵- نقاط قوت و ضعف (فضایی - کالبدی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	نقاط ضعف داخلی (w)	رتبه	مجموع وزن	نقاط قوت داخلی (s)
۱	۲۵۴	W1- ناهماهنگی در مناطق و محلات برای احیاء بافت‌های فرسوده	۱	۲۴۳	S1- احیای هویت محله‌ای و پایداری نسبی هویت اجتماعی شهر تهران؛
۲	۲۴۴	W2- بروز اختلاف در سطح محدوده‌ها و نامشخص بودن حریم	۲	۲۳۱	S2- امکان جلب مشارکت در نگهداری از فضای ورزشی، تفریحی و ...؛
۳	۲۳۲	W3- ایجاد مناطق حاشیه‌ای در محلات فاقد اسناد قانونی	۳	۲۲۲	S3- احیای هویت محلی و مکانی اسامی، نام خیابان‌ها، کوچه‌ها، معابر و ...؛
۴	۲۱۶	W4- ایجاد مناطق حاشیه‌ای فاقد اسناد مالکیت و قانونی	۴	۲۱۳	S4- ساماندهی امور در زندگی آپارتمان نشینی در سطح محلات و مناطق
۵	۱۹۶	W5- تراکم بالای جمعیت و ناهمگونی بافت جمعیتی مناطق و محلات	۵	۱۶۵	S5- وجود بلوک‌ها و شهرک‌های جدید با پایگاه اجتماعی اقتصادی همگن
۶	۱۸۴	W6- متراژ پایین و تراکم بالا واحدهای مسکونی در مناطق جنوبی و مرکزی	۶	۱۵۴	S6- پایداری نسبی هویت محله‌ای و جغرافیایی مناطق مختلف شهر تهران

همان طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود از جنبه فضایی - کالبدی، احیای هویت محله‌ای و پایداری نسبی هویت اجتماعی شهر تهران با وزن ۲۴۳، رتبه ۱، امکان جلب مشارکت در نگهداری از فضای ورزشی، تفریحی با وزن ۲۳۱، رتبه ۲ و احیاء هویت محلی و مکانی اسامی، نام خیابان‌ها، کوچه‌ها با وزن ۲۲۲ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین نقاط قوت داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل ناهماهنگی در مناطق و محلات برای احیاء بافت‌های فرسوده با وزن ۲۵۴، رتبه ۱، بروز اختلاف در سطح محدوده‌ها و نامشخص بودن حریم با وزن ۲۴۴ رتبه ۲ و ایجاد مناطق حاشیه‌ای در محلات فاقد اسناد قانونی با وزن ۲۳۲ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین نقاط ضعف داخلی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۶- فرصت‌ها و تهدیدهای (اجتماعی - فرهنگی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	تهدیدهای خارجی (T)	رتبه	مجموع وزن	فرصت‌های خارجی (o)
۱	۳۸۷	T1- ایجاد اختلاف و ناهماهنگی در استفاده از پتانسیل نیروی جوان	۱	۳۲۲	O1 وجود پتانسیل نیروی جوان و با انگیزه جهت مشارکت در تدوین برنامه؛
۲	۳۶۵	T2- ایجاد تعارضات به جهت تنوعات فرهنگی و قومی و محلی؛	۲	۳۱۲	O2- به رسمیت شناختن تنوعات فرهنگی و گرایش‌های محلی در برنامه‌ها
۳	۳۴۴	T3- تضعیف ارتباطات و درک متقابل و دو سویه بین شهروندان؛	۳	۲۵۶	O3- رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی
۴	۲۷۶	T4- تقویت فردگرایی در برنامه‌ها و یک سویه نگری در طرحها	۴	۲۴۵	O4- تقویت ابزارهای مدیریت شهری جهت اطلاع رسانی به موقع به مردم؛
۵	۲۳۵	T5- بی‌توجهی به نقش آموزشی و فرهنگی فضاهای شهری	۵	۲۳۴	O5- توجه به امر ورزش و گذران اوقات فراغت زنان، جوانان و بازنشستگان و...
۶	۱۸۴	T6- تحلیل رفتن و ضعف سرمایه اجتماعی میان شهروندان	۶	۲۲۱	O6- وجود قشر عظیم تحصیل کرده و متخصصین در علوم و فنون مختلف (زن و مرد)

همان طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود از جنبه اجتماعی- فرهنگی، وجود پتانسیل نیروی جوان و با انگیزه جهت مشارکت در تدوین برنامه‌ها با وزن ۳۲۲، رتبه ۱، به رسمیت شناختن تنوعات فرهنگی و گرایش‌های محلی در برنامه‌ها با وزن ۳۱۲، رتبه ۲، رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی با وزن ۲۵۶ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل ایجاد اختلاف و ناهماهنگی در استفاده از پتانسیل نیروی جوان با وزن ۳۸۷، رتبه ۱، ایجاد تعارضات به جهت تنوعات فرهنگی و قومی و محلی؛ با وزن ۳۶۵ رتبه ۲ و تضعیف ارتباطات و درک متقابل و دو سویه بین شهروندان با وزن ۳۴۴ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۷- فرصت‌ها و تهدیدهای (اقتصادی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	تهدیدهای خارجی (T)	رتبه	مجموع وزن	فرصت‌های خارجی (O)
۱	۱۷۶	T1 - کاهش قدرت خرید مردم در اثر رشد قیمت‌ها و تورم؛	۱	۱۲۳	O1 - اصلاح ساختار مالیاتی و افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی
۲	۱۵۶	T2 - تأثیر نامطلوب اقتصاد دولتی بر تورم و اقتصاد محله ای؛	۲	۱۱۳	O2 - اصلاح ساختار عوارض و کاربری شهری؛
۳	۱۵۴	T3 - عدم تمایل دولت به مشارکت با وجود درآمدهای نفتی؛	۳	۱۰۸	O3 - اصلاح شیوه‌های اخذ عوارض شهری بر مشاغل و...؛
۴	۱۴۳	T4 - رانته بودن اقتصاد سرمایه در دست صاحبان مشاغل و شرکت‌های دولتی؛	۴	۹۸	O4 - امکان جذب منابع دولتی و خارجی برای توسعه تهران؛
۵	۱۳۲	T5 - سطح پائین درآمد و کاهش قدرت اقتصادی شهروندان؛	۵	۸۵	O5 - مزیت نسبی و سودآوری فعالیت‌ها در شهر تهران
۶	۱۲۳	T6 - عدم حمایت وسیع مالی و امکاناتی تشکلهای غیردولتی و محلی از سوی ارکان مدیریت شهری؛	۶	۷۴	O6 - امکان فعالیت‌های مشارکتی انتفاعی شهروندان تهرانی؛

همان طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود از جنبه اقتصادی، اصلاح ساختار مالیاتی و افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی با وزن ۱۲۳، رتبه ۱، اصلاح ساختار عوارض و کاربری شهری با وزن ۱۱۳، رتبه ۲، اصلاح شیوه‌های اخذ عوارض شهری بر مشاغل با وزن ۱۰۸ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل کاهش قدرت خرید مردم در اثر رشد قیمت‌ها و تورم با وزن ۱۷۶، رتبه ۱، تأثیر نامطلوب اقتصاد دولتی بر تورم و اقتصاد محله با وزن ۱۵۶ رتبه ۲ و عدم تمایل دولت به مشارکت با وجود درآمدهای نفتی با وزن ۱۵۴ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۸- نقاط قوت و ضعف (سیاسی - مدیریتی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	تهدیدهای خارجی (T)	رتبه	مجموع وزن	فرصت‌های خارجی (o)
۱	۲۶۵	T1- اتکای مدیریت شهری به بخشی از شهروندان و تمرکزطلبی آنان	۱	۲۲۳	O1- ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در مدیریت شهری و برنامه‌های شهری؛
۲	۲۴۵	T2- قرار گرفتن ساختارهای اداری و تقسیم پست‌ها بین گروه قوی؛	۲	۲۱۳	O2- ایجاد زیرساخت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی در سطح مناطق و محلات؛
۳	۲۳۷	T3- تضعیف جایگاه شورای شهر و تضعیف مدیریت تخصصی شهر؛	۳	۱۸۶	O3- تقویت بدنه اجرایی مدیریت شهری تخصصی در سطح مناطق و محلات؛
۴	۲۳۴	T4- عدم درک متقابل از کاربست مشارکت بین مدیران و شهروندان	۴	۱۵۴	O4- التزام عملی مدیران بر کاربست مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛
۵	۲۲۱	T5- تصمیم‌های مقطعی، احساسی و بدون مبنای علمی تخصصی	۵	۱۳۴	O5- تقویت رویکرد مردم محوری و شهروند محوری در مدیریت شهری تهران.
۶	۲۱۵	T6- مقاومت ساختار مدیریتی متمرکز در مقابل تفکر مشارکتی	۶	۱۲۲	O6- امانت دانستن مسئولیت مدیریت شهری از سوی برخی مدیران شهری

همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود از جنبه سیاسی - مدیریتی، ایجاد سازوکار حقوق شهروندی در مدیریت شهری و برنامه‌های شهری با وزن ۲۲۳، رتبه ۱، ایجاد زیرساخت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی در سطح مناطق و محلات با وزن ۲۱۳، رتبه ۲، تقویت بدنه اجرایی مدیریت شهری تخصصی در سطح مناطق و محلات با وزن ۱۸۶ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل اتکای مدیریت شهری به بخشی از شهروندان و تمرکزطلبی آنان با وزن ۲۶۵، رتبه ۱، قرار گرفتن ساختارهای اداری و تقسیم پست‌ها بین گروه قوی با وزن ۲۴۵ رتبه ۲ و تضعیف جایگاه شورای شهر و تضعیف مدیریت تخصصی شهر با وزن ۲۳۶ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۹- نقاط قوت و ضعف (قانونی - حقوقی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	تهدیدهای خارجی (T)	رتبه	مجموع وزن	فرصت‌های خارجی (O)
۱	۳۵۴	T1-تفسیر به رأی قوانین حاکمیت شهری و نظارت بر برنامه شهری؛	۱	۳۳۲	O1-تصریح قانون اساسی بر نظام شورایی کشور و ادارهٔ مشورتی امور جامعه
۲	۳۳۳	T2- عدم توجه به شاخص‌های قانونی مشارکت مردم در برنامه‌ها؛	۲	۳۲۱	O2- تدوین و اجرای قوانین مربوط به حاکمیت شهری در طرح‌های مشارکتی؛
۳	۳۲۱	T3- ناآشنایی شهروندان به حقوق و تکلیف خود در قواعد برنامه	۳	۲۸۷	O3- تدوین صحیح شاخص‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی در اقتصاد مردمی؛
۴	۳۱۱	T4- نبود الگوهای قانونی تجربی برای هدایت مطالبات شهروندان؛	۴	۲۵۴	O4- تقویت حمایت قانونی از مشارکت مردم در امور شهری به عنوان حق مردم؛
۵	۲۷۶	T5- فقدان حقوق شهروندی مدون و مصوب در مدیریت شهری	۵	۲۴۳	O5- تدوین سازوکارهای قانونی برای هدایت مطالبات شهروندان از مدیریت شهری؛
۶	۲۵۶	T6- عدم وجود سازوکارهای قانونی مشارکت انتفاعی شهروندان .	۶	۲۱۳	O6- التزام مدیران شهری به پاسخ‌گویی به مطالبات مردم و پذیرش اصل نظارت

همان‌طور که در جدول ۹: مشاهده می‌شود از جنبهٔ قانونی - حقوقی، تصریح قانون اساسی بر نظام شورایی کشور و ادارهٔ مشورتی امور جامعه با وزن ۳۳۲، رتبهٔ ۱، تدوین و اجرای قوانین مربوط به حاکمیت شهری در طرح‌های مشارکتی با وزن ۳۲۱، رتبهٔ ۲، تدوین صحیح شاخص‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی در اقتصاد مردمی با وزن ۲۸۷ در رتبهٔ ۳، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل، تفسیر به رأی قوانین حاکمیت شهری و نظارت بر برنامه شهری با وزن ۳۵۴، رتبهٔ ۱، عدم توجه به شاخص‌های قانونی مشارکت مردم در برنامه‌ها با وزن ۳۳۳ رتبهٔ ۲ و ناآشنایی شهروندان به حقوق و تکلیف خود در قواعد برنامه با وزن ۳۲۱ و رتبهٔ ۳ به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

جدول ۱۰- نقاط قوت و ضعف (فضایی - کالبدی) مشارکت شهروندی در امور شهری

رتبه	مجموع وزن	تهدیدهای خارجی (T)	رتبه	مجموع وزن	فرصت‌های خارجی (o)
۱	۱۳۴	T1 - جود اجاره و خانه به دوشی و تغییر مکانی مستمر؛	۱	۱۳۳	O1- استفاده از الگوهای جامع در توسعه شهرهای جدید و ساماندهی بافت فرسوده
۲	۱۲۲	T2 - تک خانواری و غیرمشارکتی بودن بخشی از جمعیت تهران؛	۲	۱۲۱	O2 - توجه به سکونتگاه‌های غیر رسمی و ساماندهی فضاهای حاشیه‌ای شهری
۳	۱۱۱	T3 - زندگی در فضاهای کوچک، آپارتمان نشینی و حاشیه نشینی	۳	۹۸	O3 - توجه به حمل و نقل، ترافیک، آب و فاضلاب و تعریض معابر و لحاظ الزامات شهری؛
۴	۱۰۵	T4 - وجود محلات قدیمی و سنتی قابل توجه در سطح تهران	۴	۷۶	O4 - رشد متناسب فضاهای عمومی و تفریحی در سطح مناطق و محلات
۵	۹۸	T5 - جمعیت شناور شهری و وجود پایانه‌های وسیع جابجایی	۵	۵۶	O5 - توجه به زیباسازی شهر، عمران شهری، معماری ایرانی - اسلامی شهر..
۶	۷۶	T6 - بافت‌های فرسوده و الودگی گستره هوای شهر تهران	۶	۵۴	O6 - رویکرد توسعه محله محوری در برنامه‌های مدیریت شهری.

همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود از جنبه فضایی - کالبدی، استفاده از الگوهای جامع در توسعه شهرهای جدید و ساماندهی بافت فرسوده با وزن ۱۳۳، رتبه ۱، توجه به سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و ساماندهی فضاهای حاشیه‌ای شهری با وزن ۱۲۱، رتبه ۲، توجه به حمل و نقل، ترافیک، آب و فاضلاب و تعریض معابر و لحاظ الزامات شهری با وزن ۹۸ در رتبه ۳، به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری مطرح شده‌اند. در مقابل، جود اجاره و خانه به دوشی و تغییر مکانی مستمر با وزن ۱۳۴، رتبه ۱، تک خانواری و غیرمشارکتی بودن بخشی از جمعیت تهران با وزن ۱۲۲ رتبه ۲ و زندگی در فضاهای کوچک، آپارتمان نشینی و حاشیه نشینی با وزن ۱۱۱ و رتبه ۳ به عنوان مهم‌ترین فرصت‌های خارجی در ایجاد و تقویت مشارکت در امور شهری مؤثر بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

احساس ضرورت مدیریت شهری نسبت به مشارکت شهروندان در امور شهری (طراحی، اجرا و نظارت برنامه‌های شهری)، مستلزم رفع خلاءهای مشارکت و شناسایی راه‌حل‌های مناسب جهت حل این مسئله است. برای بررسی این موضوع، و شناسایی نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندان در امور شهری، ابزارهای مختلفی وجود دارند. یکی از این تکنیک‌ها (SWOT)، است که مورد استفاده پژوهش‌گران قرار می‌گیرد: بر اساس این تکنیک باید نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندان از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، قانونی و کالبدی شناسایی گردد تا پس از شناخت واقع‌بینانه از وضع موجود بتوان نسبت به طراحی الگوهای مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع موانع و ایجاد زمینه‌های مشارکت شهروندان اقدام کرد. در این مقاله ما به دنبال شناخت نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت شهروندان در امور شهری بوده‌ایم.

از جنبه اجتماعی فرهنگی، مهم‌ترین نقطه قوت، سرمایه اجتماعی است که عامل کنترل اجتماعی محسوب می‌شود. احساس شهروندی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها را در بهبود امور شهری به کار گیرد. تقویت این سرمایه مستلزم تقویت نهادها و تشکل‌های غیردولتی، شوراها و شورایی‌ها و ... به ویژه در سطح محلی و منطقه‌ای است. مدیریت شهری می‌تواند با ایجاد کانون‌های مشارکتی و کارگاه‌ها، همایش‌ها و سمینارهای آموزشی و ... از پتانسیل زنان و بازنشستگان در بهبود مدیریت شهری استفاده کند. احساس توانمندی، موقعیت، احترام و پرستیژ اجتماعی آنان را تقویت کند. می‌توان از این تجربیات در بهبود امور محله‌ای نیز کمک گرفت و با تقویت اثرگذاری آنان، از بروز افسردگی‌ها و احساس پوچی و ناتوانی جلوگیری نمود. مشارکت جوانان، عامل مهمی در بهبود نارسایی‌ها است. جوانان در امور فرامحله‌ای جدیدیت و تلاش قابل ملاحظه‌ای دارند. ناپختگی و کم تجربه بودن آنان را می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات بزرگان، بزرگسالان و

بازنشستگان جبران کرد. مدیریت شهری می‌تواند با تشکیل اتاق فکر مشاوران جوان و تعامل آنان با اقشار مجرب از نظرات و دیدگاه‌های آنان در انجام امور شهری بهره‌گیرد. از مهم‌ترین نقاط ضعف، نبود مکانیزم مشارکت است. با وجود شعار مردم محوری در مجموعه کلان مدیریت شهری، هنوز دیوان سالاری حاکم است و مشارکت به سوی عملیاتی شدن گام برنداشته است. تکیه مدیریت شهری بر منابع و بودجه‌های دولتی بوده است و مشارکت دادن مردم در امور برای تأمین مالی و ... است. بی‌نظمی در برنامه‌ریزی و ضعف در اولویت‌بندی تخصیص اعتبارات و هزینه کرد آن‌ها بر بی‌اعتمادی مردم و فقدان همدلی با مدیران شهری می‌افزاید. فقدان اطلاع و آگاه‌سازی شورایاری‌ها و شورای شهر به وظایف و اختیارات قانونی خود در مدیریت شهری موجب ایجاد تداخل و تعارض با مدیران شهری در انجام وظایف شده است. در مواردی مدیران شهری خود را در جایگاه قانون‌گذاری قرار می‌دهند و شوراها نیز در امور اجرایی دخالت می‌کنند.

با وجود نقاط ضعف، فرصت‌هایی نیز ایجاد شده است. در سال‌های اخیر رویکرد مدیریت شهری مشارکتی تقویت شده است. به دنبال تشکیل شوراهای شهر و شورایاری‌های محلات روند مشارکتی امور قوت گرفته است. این رویکرد با ایجاد سامانه‌های ۱۳۷ و ۱۸۸۸ نظارت مردم را بر مدیران شهری در سطح محلات و مناطق به رسمیت شناخته است. مدیران شهری در سطوح کلان، با حضور در رسانه‌ها، گفتگو و ملاقات با مردم، ایجاد کانون مشاوران جوان، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی عمرانی، اجتماعی، فرهنگی و ... سمت و سوی مشارکتی شهروندان را تقویت می‌نمایند. در این میان کمک گرفتن از منابع غیر رسمی مورد وثوق مردم مانند تشکل‌ها، ائمه جمعه و جماعات و معتمدین محل به جهت جایگاه ارزشی و معنوی در بین مردم فرصتی است که می‌تواند در اصلاح دیدگاه‌ها نسبت به مدیریت شهری و جلب مشارکت واقعی و هدفمند شهروندان مؤثر واقع شود. اعلام سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ فرصتی است در جهت جلب مشارکت و تعامل میان بخش‌های سه گانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

به علاوه، جامعه از لحاظ جلب مشارکت از تهدیدهایی نیز رنج می‌برد. بی‌اعتمادی نسبت به مدیران شهری، شهروندان را از مشارکت نا امید می‌سازد. سوابق و عملکردهای گذشته باعث شده که مردم از مشارکت، تلقی هزینه کردن صرف را داشته باشند. عناصر فرهنگی از قبیل ماهواره و اینترنت و ... نبود برنامه و سازمان‌دهی مشخص در قبال آن‌ها و سردرگمی نسبت به کانالیزه کردن آن از جمله تهدیدات پیش رو است. اسکان غیر رسمی مهاجران یکی دیگر از تهدیدهایی است که شهر تهران از آن متأثر است. در شهر تهران سرمایه اجتماعی به ویژه در بین اقشار جدید و جوان به شدت کاهش یافته و جو بی‌اعتمادی در حال افزایش است. افراد ساکن در مجتمع‌های ساختمانی، واحدهای آپارتمانی رو در رو و ... ارتباط ارگانیکی با هم ندارند و ارتباطات به مرادده‌های رسمی و لحظه‌ای محدود می‌شود. تقویت روحیه بی‌اعتمادی به بی‌تفاوتی اجتماعی دامن زده است. پیچیدگی زندگی در کلان‌شهر، افزایش خانوارهای تک نفره، دوگانگی رفتارها و روند کاهش سطح اعتماد موجب گسترش فردگرایی در میان ساکنان شده است. مردم به طور مرموزی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و من واقعی خود را از دیگران پنهان می‌سازند. از جنبه اقتصادی، مهم‌ترین نقطه قوت، تأمین منابع مالی طرح و برنامه است. هر برنامه‌ای حتی اگر به بهترین نحوی تدوین شده باشد، بدون در نظر گرفتن منابع مالی آن قابل اجرا نیست. بنابراین افزایش درآمد شهروندان به عنوان نقطه قوت عملیاتی شدن برنامه‌ها به شمار می‌رود. مدیران شهری می‌توانند بستری فراهم کنند که هر شهروندی مطابق با توان و امکانات خود به بهبود کیفیت امور شهری کمک کند. اعلام سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴، در حوزه اقتصاد و تقویت تصدی‌گری بخش خصوصی و مردمی نقطه قوت دیگری است. شهرداری‌ها می‌توانند ضمن تفویض امور اجرایی از طریق مناقصه و ... با ایجاد مشارکت و رقابت بین بخش‌های مردمی و خصوصی به تقویت نظارت، کنترل و سیاست‌گذاری برنامه‌های شهری بپردازند.

از مهم‌ترین نقاط ضعف، طبقاتی بودن شهر تهران است. رانتی بودن اقتصاد و قرار گرفتن بخش عظیمی از سرمایه در دست صاحبان مشاغل و شرکت‌های دولتی از نقاط ضعف جدی است. دولت با تک قطبی کردن اقتصاد، موجب حذف بخش خصوصی و مردمی شده و توان رقابتی بخش‌ها را کاهش می‌دهد. رشد روز افزون هزینه‌های زندگی، تورم، کاهش درآمد و افت کیفیت زندگی مردم و پرداخت هزینه‌های شهری موجب نارضایتی آنان از سیستم خدمات شهری و فعالیت‌های شهرداری می‌شود. تلقی دولتی بودن شهرداری نیز تمایل به مشارکت را کاهش می‌دهد. عدم وجود یک سیستم مالیاتی عادلانه یکی دیگر از ضعف‌های موجود است. در جامعه ما نوعی گریز از مالیات به ویژه از سوی صاحبان مشاغل و شرکت‌های سود ده و استفاده کنندگان از رانت‌های مالی، مالیاتی، حقوقی و ... وجود دارد. ضعف در نظام مالیات‌ها، سلیقه‌ای بودن و دخالت عوامل غیر اقتصادی (روابط و مناسبات فردی و گروهی و جناحی و ...) در محاسبات مالیاتی منجر به ایجاد نارضایتی در مالیات دهندگان خرد به ویژه کارمندان و بخش‌های ضعیف اقتصادی می‌شود.

با وجود نقاط ضعف موجود، رویکرد جدید دولت در اصلاح نظام مالیات‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی فرصتی است تا براساس آن به تدوین آئین نامه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مورد نیاز به منظور جلب مشارکت مردم، تأمین هزینه‌های امور شهری و تبیین نقش اقتصادی مردم در بهبود مدیریت شهری توجه شود. شهرداری می‌تواند با ایجاد کانون‌های اشتغال و سامان‌دهی تخصص‌های جوانان، زنان و بازنشستگان و قبول بخشی از هزینه‌های راه اندازی مشاغل و فعالیت‌ها، رضایت مندی، بهبود تعاملات و افزایش قدرت اقتصادی مردم را تقویت کند. مدیریت شهری می‌تواند با مدرنیزه کردن فرآیند تهیه و توزیع کالاها و خدمات با محوریت محلی‌گرایی در این زمینه رقابت اقتصادی ایجاد نماید. شهرداری می‌تواند با استفاده از سرمایه صندوق ذخیره ارزی ضمن کمک به اشتغال، درآمدزایی و توسعه شهری، اصل و سود حاصله را نیز به دولت بازگرداند.

با وجود فرصت‌های حاصله، توزیع نامناسب درآمد و ثروت در شهر تهران از تهدیدهایی است که شهر تهران با آن مواجه است. اقتصاد بدون برنامه یا اقتصاد روزانه دچار تورم فزاینده یا رکود دهشتناک می‌شود. زمانی که برنامه‌های اجرایی و روزانه جانشین برنامه‌های راهبردی شوند، در شرایط افزایش درآمد به توزیع نامناسب ثروت و تورم منجر می‌شود. نبود برنامه مدون اقتصادی یا عدم پایداری به برنامه‌های کارشناسی در زمانی که افزایش درآمد حاصل می‌شود، به توزیع نامناسب ثروت، فقر گسترده و تورم منجر می‌شود. تزریق امکانات مالی به جامعه برای کسب رضایتمندی عمومی در کوتاه مدت و نبود سیاست بلند مدت برای افزایش درآمدها، حاصلی جز توزیع نامناسب ثروت، فقر نسبی گسترده و افزایش تورم نداشته و نارضایتی مردم را موجب می‌شود. دولت با تزریق درآمدهای نفتی به بودجه، بی‌نیازی به قدرت مشارکت مردم را به نمایش می‌گذارد. در حوزه سیاسی - مدیریتی، مهم‌ترین نقاط قوت، تشکیل ستادهای شورایی در سطح محلات به عنوان مرکز انعکاس نظرات و مشکلات به سطوح مدیریت شهری است. برای ایجاد تعامل مثبت و سازنده، مدیران شهری می‌توانند با تشکیل کارگروه‌های تخصصی مرکب از تحصیل کرده‌ها و اهل فن مشکلات خود را بررسی و راه حل‌های اجرایی ارائه دهند. این امر می‌تواند به رشد آگاهی مردم از برنامه‌های مدیریت شهری منجر شود و به ارتقاء مطالبات شهروندان در فضای مدیریت مشارکتی کمک کند.

به علاوه ضعف‌هایی نیز وجود دارد. برخی مدیران شهری اعتقادی به مشارکت و اثرگذاری مردم در برنامه‌ریزی شهری ندارند. با توجه به این که هزینه‌های عمرانی و ... توسط دولت یا شهرداری‌ها تأمین می‌شود، حلقه مدیریت شهری به ویژه در سطوح میانی و خرد نسبت به نتایج مشارکت مردم بدبین است. مشارکت امری سیاسی تلقی شده و به شرکت در انتخاب نمایندگان شوراهای شهر، شورایی‌ها و ... محدود شده است. بعد از انتخابات نسبت به پیگیری امور دیدگاه مشارکتی وجود ندارد. مردم وظیفه خود را تمام شده می‌دانند و در صورت عدم پیگیری برنامه‌ها از سوی مدیران شهری عملاً اقدامی از

سوی مردم صورت نمی‌گیرد. از طرف دیگر کوتاهی عمر مدیریت‌ها در ایران یکی دیگر از ضعف‌هاست. مدیران تنها به برنامه‌ریزی می‌پردازند و قبل از اجرای برنامه جای خود را به دیگری می‌سپارند. مدیران پیوسته عملکردها و برنامه‌های گذشته را نفی و تخطئه می‌کنند. این امر به بی‌اعتمادی مردم به برنامه‌ها دامن می‌زند. ضعف دیگر در مکانیزم اجرایی انتخاب شوراهاست. انتخاب شورا باید از لایه‌های پائین جامعه آغاز شده و سپس به لایه‌های بالا تسری پیدا کند. در حالی که با انتخاب شورا از سطوح بالا، نقش ساکنین محله در امور مدیریت و برنامه‌ریزی محله تضعیف شده است. نگرانی دولت از تبدیل تشکلهای مردمی به تشکل برانداز نقطه ضعف دیگری است. تشکلهای در معرض سوءظن بوده‌اند. مدیریت شهری به دلیل تبعیت از مدیریت سیاسی امکان خارج شدن از چارچوب‌های غیر مشارکتی را ندارد.

با وجود نقاط ضعف موجود، تغییر رویکرد مدیریت شهری به مدیریت مشارکتی، قبول نظارت مردم و احساس مسئولیت فرصتی است تا با نهادینه شدن حقوق شهروندی، تعامل با شهروندان با مکانیزم‌های مشخص صورت گیرد. پذیرش اصل مردم محوری و پاسخ‌گویی فرصتی است که مدیران از آن برای خدمت به مردم استفاده کنند.

از سوی دیگر، تهدیدهای متعددی این فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مدیریت شهری به مشارکت جنبه صوری و تجملی داده است. مدیریت بحران نهادینه نشده و برنامه‌ریزی در شرایط غیرعادی به کاهش اثر مطلوب آن منجر می‌شود. با وجود تأکید مدیریت شهری به مشارکت، هنوز بسترها و مکانیزم آن روشن نشده است. دیدگاه‌های متعارض، عدم همگرایی در بین شوراها و درگیری بین اعضای شوراها موجب شده که قدرت تأثیرگذاری آن‌ها کاهش یابد.

در حوزه قانونی - حقوقی؛ از جمله نقاط قوت در این زمینه ایجاد سامانه‌هایی در جهت بهبود تعامل با مردم است. سامانه ۱۸۸۸ برای ارزیابی مدیران شهری و نظرات مردم در خصوص عمل‌کرد مدیران اجرایی، و سامانه ۱۳۷ در خصوص ارائه پیشنهادات، شکایات و

نظارت بر خدمات شهری است. این اقدامات و پیگیری درخواست‌ها و شکایات مردمی نقطه قوتی است که به بازسازی اعتماد مردم و تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. نقطه ضعف حقوقی، نبود تعریف جامع حقوق شهروندی است. با وجود تأکید بر حقوق شهروندی و بیان آزادانه نظرات و دیدگاه‌های مردم، این حقوق تبیین نشده و در این زمینه اطلاعات کافی داده نشده است. عدم اطلاع مردم از حقوق خود به مدیران امکان می‌دهد که در پاسخ‌گویی الزامی نداشته باشند. شهروندان به لحاظ حقوقی امکان پیگیری امور شهری را ندارند و نمی‌توانند بر آن نظارت کنند.

از فرصت‌های موجود می‌توان به قانون اساسی اشاره کرد. مشارکت مردم در قانون در کلیه امور به رسمیت شناخته شده است. سازوکارهای قانونی مشارکت فراهم شده و باید مکانیزم‌های تحقق مشارکت، براساس الگوهای مشارکتی تدارک دیده شود. با تغییر دیدگاه از حکومت شهری به حاکمیت شهری، این رویکرد می‌تواند در شهرسازی مشارکتی نیز مد نظر قرار گیرد. جلب مشارکت بخش‌های سه گانه در اجرای اصل ۴۴، فرصتی است که به تقویت مشارکت و اصل نظارت می‌انجامد.

با وجود تشکیل شوراهای و شورایی‌ها هنوز به تشکلهای مردمی به عنوان یک تهدید و مانع بر سر راه مدیریت شهری نگریسته می‌شود. یکی از عوامل تهدید شوراهای، فقدان قوانین مدون و رسمی برای تأثیرگذاری شوراهای بر مدیریت شهری است. ابهامات در قانون شوراهای از نظر میزان اختیارات و رابطه با دستگاه‌های اجرایی مزید بر علت است.

در حوزه فضایی - کالبدی؛ از جمله نقاط قوت می‌توان گفت که مدیریت شهری با تدوین و ارائه برنامه‌های آموزشی می‌تواند در تقویت آپارتمان نشینی و حقوق و تکالیف زندگی اجتماعی کمک کند. احساس تعلق به هویت محله‌ای، نقش محلات را در شکل دهی به مشارکت آگاهانه مردم در امور شهری پررنگ‌تر می‌سازد. شهرک‌های مسکونی وابسته به سازمان‌ها و نهادها برای اسکان کارکنان، ترکیب کالبدی شهر را تغییر داده‌اند. مدیریت شهری می‌تواند با هماهنگی این نهادها و با ایجاد فضاهای ورزشی، تفریحی و

فضای سبز و جلب مشارکت ساکنان، ضمن ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی، کارکرد حمایتی و مشارکتی این اقشار را در جهت تقویت مشارکت به کار گیرد. از سوی دیگر، تراکم نامناسب مناطق و محلات مسکونی در شهر تهران یکی از نقاط ضعف است. مناطق شمالی شهر دارای فضای وسیع و متراژ مسکونی بالاتر از تراکم کم‌تر و مناطق مرکزی و جنوبی با متراژ مسکونی کوچک دارای تراکم بیش‌تری است. با وجود تراکم شدید مناطق مرکزی و جنوبی، این مناطق دارای بیش‌ترین بافت فرسوده هستند. تنگی کوچه‌ها و معابر و بافت کهنه و فرسوده فضای نامناسبی را به لحاظ سکونت و شاخص‌های زندگی فراهم کرده و افت کیفیت زندگی را به دنبال داشته است. تملک مناطق و زمین‌های بلا استفاده توسط مدیریت دولتی تغییر کاربری داده شده و به تملک دولت درآمده است. در مقابل بخشی از این مناطق که در دست مردم بود از آنان گرفته شده یا مبالغ سنگینی بابت صدور اسناد مالکیت و عوارض و ... از مردم گرفته شده است. این تبدیل به احسن متناقض که به نفع دولت و به ضرر مردم انجام گرفته است مردم را نسبت به سامان‌دهی مناطق حاشیه‌ای بی تفاوت نموده به طوری که در امور سامان‌دهی و بهبود آن مشارکت نمی‌کنند.

با وجود این، ساختار سنتی محلات یکی از فرصت‌های موجود است. محوریت طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری تهران بر مبنای توسعه محله‌ای به احیای بافت‌های شهری، مکان‌های عمومی و الزامات فرهنگی و هنری انجامیده است. ایجاد فضاهای فرهنگی در پارک‌ها، اماکن تفریحی، شهربازی‌ها، سینماها، کتابخانه‌ها، فرهنگسراها فرصت مناسبی برای مشارکت والدین، خانواده‌ها، بازنشستگان، جوانان و زنان می‌باشد تا اقشار مختلف ضمن گذران اوقات فراغت، تجارب و مهارت خود را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی به مخاطبان انتقال دهند.

از تهدیدهای موجود؛ بافت‌های قدیمی و فرسوده مناطق تهران به ویژه مناطق مرکزی و جنوبی شهر است. سکونت اقشار آسیب پذیر امکان بهسازی و نوسازی بافت‌ها را

کاهش داده است. بافت مدرن در کنار بافت فرسوده موجب ایجاد معابر ناهمسان شده و چهره فیزیکی کوچه‌ها، معابر و خیابان‌ها را ناهمگون کرده است. انتشار گازهای گلخانه‌ای و مونو اکسید کربن در هوا، برای شهروندان به ویژه سالخوردگان، کودکان، زنان، مشکلات تنفسی، قلبی و عروقی پدید آورده است. آلودگی هوا با ورود روزانه بیش از ۱۰۰۰ دستگاه اتومبیل جدید به ناوگان حمل و نقل تهران تشدید شده است. بین نهادها هماهنگی وجود ندارد و برنامه‌ها و اقدامات یکدیگر را خنثی می‌سازند.

پیشنهادها و راهکارهای اجرایی

مهم‌ترین پیشنهادها در زمینه جلب مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری عبارتند از:

پیشنهادها:

- برنامه‌ریزی کلان در جهت تقویت سرمایه اجتماعی و حس اعتماد در شهروندان؛
- توزیع قدرت از طریق انتقال اختیارات شهرداری به شهروندان مناطق و محلات؛
- محدود شدن دخالت سازمان‌های دولتی در مدیریت شهری به سیاست‌گذاری کلان،
- گسترش فضای فعالیت نهادهای مدنی، عمومی و مردمی در مدیریت شهری؛
- فرهنگ‌سازی در خصوص واگذاری نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به مردم؛
- اصلاح قوانین اداره شهرها و افزایش اختیارات شوراهای محلات و مناطق؛
- ایجاد بستر فرهنگی و فراهم شدن زمینه مشارکتی با انجام برنامه‌های فرهنگی؛
- تقویت شورایی‌های محلات و تعامل میان شورایی‌ها و مردم محله؛
- آموزش شهروندی برای ایجاد مطالبات شهروندی و تقویت جایگاه قانونی آن؛

راه کارها:

- ارزیابی سالانه از میزان مشارکت مردم در امور شهری و شناسایی موانع و مشکلات آن؛
- استفاده از پتانسیل مدارس و دانشگاه‌ها برای جلب مشارکت در امور فرهنگی و اجتماعی؛
- سودآور کردن مشارکت و تعبیه ابزارهای لازم برای جلب مشارکت مردم در امور انتفاعی؛
- سهمیم کردن مردم مشارکت جو در بخشی از منافع ایجاد شده ناشی از تولید خدمات شهری؛
- معافیت مالیاتی و کاهش عوارض شهرداری و یا تخفیف آن‌ها برای شهروندان مشارکت جو و نمونه؛
- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری و ارائه نظرات اصلاحی در خصوص آن‌ها؛
- تقویت مشارکت از سطوح پائین مانند سطح محلی و مجموعه‌های مسکونی و..؛
- اصلاح مقررات در تسهیل واگذاری امور به مردم و در نظر گرفتن سیستم نظارتی بر مدیریت شهری؛
- گسترش شکل‌های صنفی و مردم نهاد و غیردولتی و نظارت نهادهای محلی بر خدمات شهری.
- آموزش کوتاه، میان و بلند مدت جوانان و نوجوانان در زمینه جلب مشارکت آنان در امور شهری.

- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۳)؛ «*نظریه‌های جامعه‌شناسی*»، ترجمه احمدرضاغروی زاد، تهران، ماجد.
- ریشه، گی (۱۳۷۴)؛ «*کنش اجتماعی*»، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)؛ «*الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*»، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور
- کمانرودی کجوری، موسی (۱۳۸۴)، موانع ساختاری مدیریت توسعه شهری در ایران، *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «*تحلیل مدیریت شهری تهران از ۷۶-۱۳۶۸*»، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۷۶)، شناخت وضعیت اجتماعی شهر تهران، *معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی*، شماره گزارش ۸۶-۷۶.
- مزینی، منوچهر (۱۳۷۸)، *ساختار مدیریت شهری در ایران*، وزارت کشور، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)؛ «*بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی*»، نامه پژوهش، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره یک، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۳)؛ «*بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران*»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح تفصیلی.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۱)، «*برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*» (مسائل نظری چالش‌های تجربی)، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)؛ «*سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*»، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

- Habermas, J. (1992) **“Citizenship and National Identity: same Reflections on the future of Europe”** in B. S. turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts, London: Routledge.
- Habermas, J. (1994) **“Citizenship and National identity”** in B. van steenbergen, ed., the condition of citizenship London: say.
- Hamilton Peter (1983) , Talcott Parsons, Routledge London. February,P.74
- Holton Robert (1989) , Bryan-Turner **“Max Weber on Economy and Society Routledye, London,**
- Isin EF and Wood P.K (1999) Citizenship and Identity London. 90- Icswh (1983): Asia & Western Pacific Regional Conference Them people: Focous Of Development (Proceedings).
- Olsen M (1976), Alienation and Political Opinions in Robinson y.p sharer R. P. Measares of Social Psychological Attitudes usa. P. 228-299.
- Turner B. S. (1990) **“outline of a theory of citizenship”** in B. S Turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts, London: rout ledge.
- Turner, B. S. (2000) **“liberal citizenship and Cosmo political virtue”**, in A Vandenberg, ed., citizenship and Democracy in Global Era, London: Macmillan.
- Turner, B. S. (2000) **“Islam civil society on citizenship: Reflections on the sociology of citizenship and Islamic studies”**, in N. A Butenschon et al, ed. Citizenship and the state in the Middle East, Syracuse University Press.
- UNVHS (Habitat), (1996) The role of community participatior in Human settlements work, Nairobi.
- ECD (2006) Community Planning and ECD: Citizen Participation Program Guidelines- Approved by Minneapolis City Council, 2006. <http://www.city of>
- CPP (2007) Citizen Participation Plan (CPP)for the Consolidation Plan 2005-2010, Approved by City of Huntington Beach Council at 2007.
- CPCP (2002) Building Arts Participation: New Findings from the Field: How & Why People Participation in Arts & Culture (2002) c. walker, s.scott- melnyk& k. Sherwood, USA, the urban institute.
- PAR (2006) From Participation to Empowerment: Critical Reflections on a Participatory Action Research (PAR): Project With Street Children in Turkey (2006), A.Ataor &J.Haidar, children, youth &environment 16 (2), 2006. <http://www.colorado. Edu/ journals / eye>.
- ZEIS (2004) Process Mapping: Disclosing Actors and Citizen Participation in Recife: final draft report, Claudio acioly, institute for housing and urban development studies, Brazil, 2004.
- SSP KEDV (2004) Integrating Grassroots Women's Groups into the Planning Process: Post – Disasters Experiences from India & Turkey (2004), ayse yonder, APA conference in Washington, DC, April 26, 2004.